

THE LIBRARY OF CONGRESS SERIAL RECORD OCT 21 1944 Order Number

کارگران، دهقانان، روشنفکران، پیشه‌وران، برعلیه ارتجاع متحد شوید سال اول شماره صد و شانزدهم

برعلیه هرگونه استعمار کشور ایران مبارزه کنید جمعه ۱۷ تیر ماه ۱۳۲۳

ارگان مرکزی حزب توده ایران

چرا به نبرد ما برخاسته اند؟ رمز پیروزی ما

چرا به نبرد ما برخاسته اند؟ برای اینکه ما به نبرد ارتجاع برخاسته ایم... برای اینکه ما پیروز بوده ایم و پیروز خواهیم بود...

رقای ونجیر، ما بشا از این سراسیمگی ارتجاع تریک میگویم... ما فقط قدرت توده، اعتماد داریم... زیرا که قطع خود توده است که در دفاع از مصالح و منافع خویش صدافت خواهد داشت...



قدرت توده را با این سخنان آراسته مردم فریب منکر شوید... شما میخواهید دیسو ارتجاع را بتوان فرد با شهادت وطن پرست دو باره بر دوش این ملت سوار گردانید... اختلاف شما با سایر مرتجعین در انتصاب این دیو ارتجاع است...

آلمانها دیروز مقدار زیادی ویناده نظام مانند سیل وارد میدان کارزار میکردند و بدون اینکه اهیتی تلفات خود ببندند حمله می نمودند طی روزهای دوشنبه و سه شنبه ۱۳۰۰ تانک و ۳۰۰ هواپیمای آلمانی نابود شده است...

در مجلس

ساعت ۱۰ و ربع بریاست اسفند جاری تشکیل گردید... وزیر کشاورزی حضور داشتند صورتجلسه خوانده شد نظری نبود و تصویب گردید... آقای افشار - خطابه ای راجع باقدمات دولت که در حد درستی صورت گرفته است ایراد داشت...

آقای صفوی - سوال بنده از آقای وزیر کشاورزی راجع باراسی شیاتکاره و استفاده از اسد شیاتکار است... کله رئیس کارخانه کلسیرین بانام وسائل سعی میکنند که کارگران این کارخانه را برود در یکی از احزاب ارتجاعی و ادار سازد و کارگرانی را که از این کار امتناع کرده اند تهدید با خراج نموده است...

زیرا هنگامیکه حضرت مسیح را بداد آویخته اند از اوهم چند ماه جواتر بود... دیگران هم در همین ردیف بودند: دولتی ۲۲ سال داشت... بازر ۲۹ سال... هر دو سه شل ۲۴ سال... تصادف غریبی است... نام با افتخار خود را در تاریخ انقلاب کبیر ثبت نموده همه جوان بودند...

یک درس از تاریخ حماسه جوانان

آنان که سی و سال را ملاح برگی و افتخار می دانند خوبت تاریخ بچوانند... سوال کرد: سن توجیه است... در جواب رئیس دادگاه داتون خنده زهر آلودی کرد و از وی بی احتمالی شانه بالا انداخت... برای او این سوال خنده آور بود زیرا بین او و دیگران فرقی نبود چه اهیت داشت که او یکسال بیشتر یا یکسال کمتر داشته باشد... افتخارات تاریخی بسبب وریش و سن و سال زبلی ندارد...



در اطراف حمله آلمان

شروع حمله - جهت و منظور حمله - تبلیغات سر تا پا دروغ - با احتمال باز شنیدن جهت دوم چطور آلمان ها تواقته اند در جهت شرق حمله نمایند؟ - یک احتمال دیگر کتون در میدان های دیگر سائنه نداشتند... جهت و منظور حمله: حمله آلمانها در دو جهت عمل میآید که منظور هر دوی آنها یکی بوده است... جهت دوم حمله: حمله آلمانها در این حمله که شاید آخرین حمله نیز باشد جمع نموده است... جهت اول آلمانها بکار انداختن سلوم میشود نظر آلمانها عبارت از این بوده که مقاربت ارتش...

حماسه جوانان

در سال دوم انقلاب کبیر نهضت آزادی خواهی تمام فرانسه را فرا گرفته صدای مساوات و برادری در سرتا سر خاک اروپا طنین انداز شده... سیر زمامت چنین اقتضای کرد که گروه «زیروندن» را مخالفین پیروز مند و تند رو آن ها در دادگاه انقلابی پاریس محاکمه نمایند... سران انقلاب و اعضای گروه زیروندن که موسس و موجود واقعی شورش بودند مورد بازخواست قرار گرفتند و در مقابل داد گاه حضور یافتند... اینها همه جوان بودند... ژانسون ۲۴ سال داشت پاراپرو سنش از ۲۶ تجاوز نیک کرد و اوایل فروردین ۲۷ سال نداشت... لوه و دوپور ۳۲ ساله بودند... دو شوال ۲۷ ساله از زوره و ایستار ۳۶ ساله... رئیس آن ها یعنی کبیکه پیر قوم و شیخ قیله محسوب میشد تازه وارد ۳۹ سالگی شده بود... چندی بعد نوبت محاکمه پیروان داتون رسید... رئیس داده گاه از او...

فلسفی و اجتماعی

سخنان بزرگ... کوه فکری و نداشتن میدان رویت وسیع یکدسته از جوانان ما را برای حفظ مافع فردی خود بدسته بندیهای خصوصی هدایت کرد... این دسته بندیها شرکت کنند و آرا کار اجتماعی خود بدانند... جوانان صالح ما باید از این قبیل صف بندیها خودداری کرده قوه خود را برای پیشرفت یک مرام اساسی که قمع توده وسیع در آن باشد مصروف دارند... (دکتر ارانی مجله دنیا)

آلمانها در روزهای آینده موفقیتهای کمی اهیتی بدست میآورند حتی مقداری بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

اثر : جهانگیر افکاری

# سیاه و سفید

خاتم گوش تفلن دست مرمری را که گوشه اتاق مخصوصش پهلوی یک تخت بزم و کوتاه (کابانه) بود برداشته پس از آنکه با اضطراب و نگرانی و انری نره را گرفت با انگشترهای الماسی که در انگشترهای دست چپش داشت مشغول بازی شده یکسریه صدایی پرسید :

— بله آقای ... شایده ... سلام علیکم ... اینجا منزل الاغ دفتر حال شا بطور است ... من که حالم خوش نیست ... خوب دیگر ... چون هوشی ( مضغ هوشنگ ) با زرق و برق میکند ... صبح تلفن کردم که تشریف یابورید اینجا گفتند خانه نیستند ... بهر حال الان اتومبیل را میبرستم فوری خودتان را برسانید که خیلی دلم شور میزند ... نه ... نه ... همین حالا ... باشد ... مریضا را بگذارید بهد که برگشتید بروید سر و تشنان ... به ... چون راستی حواسم را نمی فهمم ... مری ... آنوقت گوش را روی دستگه گذاشته با سر بجه رفت روی کانا به کشهای پرده راحتی خود را آورد ... با پیراهن ابریشی یقه باز و کوتاهی که تا بالای زانوش را گرفته و مخصوص انانقش بود ، یکوری افتاد روی تخت . بعد دستش را از روی بالش اطلس و پر فوالی که تا زیر سینه اش را روی خود جا داده بود ، بلند کرده ، انگشتر مانیکورشده و لاک زده اش را گذاشت روی یک شتی دیواری ، بغاصه پنج دقیقه دخترکلفت شسته رفته وزیر ورزشکی از در بزرگ و لاک الکی آتینا گذشته روی قالی ابریشم سورمه ای بزرگی که نام اتاق را گرفته بود ایستاده گشت

— خانم زنک زنده ؟  
— درجه آن بادبیز را کم کن ، بهد برو بگو احمد ماشین را بیرون دم منزل ... دکتر ...

به مصلحتی هم بگو حاتم را آتش کند که من خیلی خسته ام و میخواهم زیر دوش آبگرم بروم ... و به کلین سبیل جانی نرود مرا که مشت ومال داد و از حمام در آمدن آنوقت گوشش را کم کند ... این دختره بی تربیت هم دلش میخواهد ابرام مرخصی بگیرد برود پیش مادرش ... بهش بگو این مرتبه آخر باشد ... دیگر لازم نیست برود پیش او ... خودش میبندد اش ناخوش است و دارد می میرد ، اما باز هم بغرضش نی رود اینقدر می رود و می رود تا همه مان را مبتلا کند

کلفت نیم خسی شد و از اتاق بیرون رفت

جیزی نگذشت که دکتر رسیده ... از پله های سرسرا که تمام از کلبه های تیز فرس شده بود ، گذشته ، وارد باغ کوچکی شد که دارای حوضهای کاشی نواره مله گلزارهای ها و درخت زارهای سبز و شسته بود .

پس از اندکی انتظار و قدم زدن روی خیابانهاییکه لای درخت ها کشیده شده و از سنگ ریزه های سالی الوان فرش شده بود بانای بیچه واردش کردند .

بیچه که پس چاق و سفیدی بود ، با موهای بور و گونه های گوشت آلود ، بر پدر دکتر را نگاه کرده خندید. وقتی بی خندید فرهنگهای زیر تختش بالابا با بیقرت دستش بر روی کلبه بپان اطینان داد که بیچه هیچ عیبش نبود و حالش خوب است ؛ منتها نهی ای هم نوشت و دستوری هم داد که فلانا سه ساعت شیرش ندهند منتها چون مادرش خیلی از این دستور تعجب ناله کرد ، دکتر سه ساعت را به دو ساعت تقلیل داد

هیبنکه دکتر رفت پیشصدمتی بالیاس های تیز ، وزلفهای صاف و روشن خورده جلوی آمدن ساکنی را که توی سینی ورزشی کوچکی بود جلوی خانم گرفت

خانم پاکت را برداشته نگاه کرد و با عصبانیت گفت : « احسن ای پاکت بسته را می قبلی که جلوی کسی نمیبرد من در پاکت را که با دست نیوتوانم باز کنم هنوز قلت باین چیزها نبرد ... پیشصدمت فرمز شده ، سرش را پانین انداخته بود ، و شاید اگر تو کرد دیگری باصحه دستچاککی قبلی هره ای را روی دستی بگذارم طرف نیگردد ، باز بی سر زشش دانش را شکرگفت

خانم پاکت را گوشه کارت حاشیه طلایی را که در آن بود خوانده وزیر ل با اوقات تلف گفت :

— منکه دیگر حوصله مهربانی رفتن را ندارم ، بچدر مهربانی و رقی و بیخواسی ! آدم خسته میشود ...

نیگرددند یکروز آدم توی خانه خودش بنیاند .

پدر این خانواده یکی از وزرائی بود که خون دل خورده و توانسته بود تنها از کارمندی یک اداره بوزارت برسد ، بلکه توانسته بود از اینها بی دوجه یکی بشود که همه جای کشور مورد عزت واحترام هستند .

دیگر اینکه اسم او چیست و یا چگونه با این حقوق کم توانسته باینجا برسد ، به من و شما بیرون نیست

خاتم گوش تفلن دست مرمری را که گوشه اتاق مخصوصش پهلوی یک تخت بزم و کوتاه (کابانه) بود برداشته پس از آنکه با اضطراب و نگرانی و انری نره را گرفت با انگشترهای الماسی که در انگشترهای دست چپش داشت مشغول بازی شده یکسریه صدایی پرسید :

— بله آقای ... شایده ... سلام علیکم ... اینجا منزل الاغ دفتر حال شا بطور است ... من که حالم خوش نیست ... خوب دیگر ... چون هوشی ( مضغ هوشنگ ) با زرق و برق میکند ... صبح تلفن کردم که تشریف یابورید اینجا گفتند خانه نیستند ... بهر حال الان اتومبیل را میبرستم فوری خودتان را برسانید که خیلی دلم شور میزند ... نه ... نه ... همین حالا ... باشد ... مریضا را بگذارید بهد که برگشتید بروید سر و تشنان ... به ... چون راستی حواسم را نمی فهمم ... مری ... آنوقت گوش را روی دستگه گذاشته با سر بجه رفت روی کانا به کشهای پرده راحتی خود را آورد ... با پیراهن ابریشی یقه باز و کوتاهی که تا بالای زانوش را گرفته و مخصوص انانقش بود ، یکوری افتاد روی تخت . بعد دستش را از روی بالش اطلس و پر فوالی که تا زیر سینه اش را روی خود جا داده بود ، بلند کرده ، انگشتر مانیکورشده و لاک زده اش را گذاشت روی یک شتی دیواری ، بغاصه پنج دقیقه دخترکلفت شسته رفته وزیر ورزشکی از در بزرگ و لاک الکی آتینا گذشته روی قالی ابریشم سورمه ای بزرگی که نام اتاق را گرفته بود ایستاده گشت

## نامه ها

### از شهر داری تهران

دوشنبه ۱۰۷ مورخه تیرماه ۱۳۲۲ آن نامه شریفه تحت عنوان آیا راست است مطالبی نوشته شده بود که از لحاظ اطلاع رده فرس شده بود ، گذشته ، وارد باغ کوچکی شد که دارای حوضهای کاشی نواره مله گلزارهای ها و درخت زارهای سبز و شسته بود .

پس از اندکی انتظار و قدم زدن روی خیابانهاییکه لای درخت ها کشیده شده و از سنگ ریزه های سالی الوان فرش شده بود بانای بیچه واردش کردند .

بیچه که پس چاق و سفیدی بود ، با موهای بور و گونه های گوشت آلود ، بر پدر دکتر را نگاه کرده خندید. وقتی بی خندید فرهنگهای زیر تختش بالابا با بیقرت دستش بر روی کلبه بپان اطینان داد که بیچه هیچ عیبش نبود و حالش خوب است ؛ منتها نهی ای هم نوشت و دستوری هم داد که فلانا سه ساعت شیرش ندهند منتها چون مادرش خیلی از این دستور تعجب ناله کرد ، دکتر سه ساعت را به دو ساعت تقلیل داد

هیبنکه دکتر رفت پیشصدمتی بالیاس های تیز ، وزلفهای صاف و روشن خورده جلوی آمدن ساکنی را که توی سینی ورزشی کوچکی بود جلوی خانم گرفت

خانم پاکت را برداشته نگاه کرد و با عصبانیت گفت : « احسن ای پاکت بسته را می قبلی که جلوی کسی نمیبرد من در پاکت را که با دست نیوتوانم باز کنم هنوز قلت باین چیزها نبرد ... پیشصدمت فرمز شده ، سرش را پانین انداخته بود ، و شاید اگر تو کرد دیگری باصحه دستچاککی قبلی هره ای را روی دستی بگذارم طرف نیگردد ، باز بی سر زشش دانش را شکرگفت

خانم پاکت را گوشه کارت حاشیه طلایی را که در آن بود خوانده وزیر ل با اوقات تلف گفت :

— منکه دیگر حوصله مهربانی رفتن را ندارم ، بچدر مهربانی و رقی و بیخواسی ! آدم خسته میشود ...

نیگرددند یکروز آدم توی خانه خودش بنیاند .

پدر این خانواده یکی از وزرائی بود که خون دل خورده و توانسته بود تنها از کارمندی یک اداره بوزارت برسد ، بلکه توانسته بود از اینها بی دوجه یکی بشود که همه جای کشور مورد عزت واحترام هستند .

دیگر اینکه اسم او چیست و یا چگونه با این حقوق کم توانسته باینجا برسد ، به من و شما بیرون نیست

خاتم گوش تفلن دست مرمری را که گوشه اتاق مخصوصش پهلوی یک تخت بزم و کوتاه (کابانه) بود برداشته پس از آنکه با اضطراب و نگرانی و انری نره را گرفت با انگشترهای الماسی که در انگشترهای دست چپش داشت مشغول بازی شده یکسریه صدایی پرسید :

— بله آقای ... شایده ... سلام علیکم ... اینجا منزل الاغ دفتر حال شا بطور است ... من که حالم خوش نیست ... خوب دیگر ... چون هوشی ( مضغ هوشنگ ) با زرق و برق میکند ... صبح تلفن کردم که تشریف یابورید اینجا گفتند خانه نیستند ... بهر حال الان اتومبیل را میبرستم فوری خودتان را برسانید که خیلی دلم شور میزند ... نه ... نه ... همین حالا ... باشد ... مریضا را بگذارید بهد که برگشتید بروید سر و تشنان ... به ... چون راستی حواسم را نمی فهمم ... مری ... آنوقت گوش را روی دستگه گذاشته با سر بجه رفت روی کانا به کشهای پرده راحتی خود را آورد ... با پیراهن ابریشی یقه باز و کوتاهی که تا بالای زانوش را گرفته و مخصوص انانقش بود ، یکوری افتاد روی تخت . بعد دستش را از روی بالش اطلس و پر فوالی که تا زیر سینه اش را روی خود جا داده بود ، بلند کرده ، انگشتر مانیکورشده و لاک زده اش را گذاشت روی یک شتی دیواری ، بغاصه پنج دقیقه دخترکلفت شسته رفته وزیر ورزشکی از در بزرگ و لاک الکی آتینا گذشته روی قالی ابریشم سورمه ای بزرگی که نام اتاق را گرفته بود ایستاده گشت

# حزب سوسیالیستی

## اثر و رسوخ و تکرار

بسم الله تعالی از اهالی آنجا از طرز تقسیم محصول واحصایات اربابان شکایت کرده اند که در این جا بنر او ارباب سی دهه ونصف محصول وامیبرند . در موقع ساختن هم ما رعایا مجبوریم محصول خودمانرا سلف ببریم در سر خرمن نصف محصولمان یعنی نتیجه یکسال زحمت ما بیکمه مالک میبرد و نصف دیگری را هم بقیعت سلف خریده ما می بردن تو خود حدیث مفصل بعنوان از این مجبل -

شکایت  
مصدق علی قاسم مینویسد یک قطعه زمین در پشت گار ما ذین مال آقای دکتر بصیر و آقای حاجی معنی ؛ که یکی باین بوده ضمن قراردادی باین جانب تحویل شد که آنجا را آباد کنم در مقابل روزی هفت ریال باین بدمه و آنچه دو باغ بیل آمد نصف بشود . هشت سال تمام باچه بیل جگری و زحمت طلقت فرسائی آنجا را آباد کردم و یک اطاق هم برای سکونت خودم ساختم . روز هفت ریال را باین دادند که هیچ حال میوهامند زمین را بفروشنه مطالبه حقوق خودم و نصف محصول باغ را میکنند میگویند زمین را که فروختیم می بدمیم حال میخواهند اطاق را خوب کنند و هیچ حتی بن نیندهند و مرا بازن و بچه ام و بلان کنند . تقاضای احقاق حق میکنم .

خاتم گوش تفلن دست مرمری را که گوشه اتاق مخصوصش پهلوی یک تخت بزم و کوتاه (کابانه) بود برداشته پس از آنکه با اضطراب و نگرانی و انری نره را گرفت با انگشترهای الماسی که در انگشترهای دست چپش داشت مشغول بازی شده یکسریه صدایی پرسید :

— بله آقای ... شایده ... سلام علیکم ... اینجا منزل الاغ دفتر حال شا بطور است ... من که حالم خوش نیست ... خوب دیگر ... چون هوشی ( مضغ هوشنگ ) با زرق و برق میکند ... صبح تلفن کردم که تشریف یابورید اینجا گفتند خانه نیستند ... بهر حال الان اتومبیل را میبرستم فوری خودتان را برسانید که خیلی دلم شور میزند ... نه ... نه ... همین حالا ... باشد ... مریضا را بگذارید بهد که برگشتید بروید سر و تشنان ... به ... چون راستی حواسم را نمی فهمم ... مری ... آنوقت گوش را روی دستگه گذاشته با سر بجه رفت روی کانا به کشهای پرده راحتی خود را آورد ... با پیراهن ابریشی یقه باز و کوتاهی که تا بالای زانوش را گرفته و مخصوص انانقش بود ، یکوری افتاد روی تخت . بعد دستش را از روی بالش اطلس و پر فوالی که تا زیر سینه اش را روی خود جا داده بود ، بلند کرده ، انگشتر مانیکورشده و لاک زده اش را گذاشت روی یک شتی دیواری ، بغاصه پنج دقیقه دخترکلفت شسته رفته وزیر ورزشکی از در بزرگ و لاک الکی آتینا گذشته روی قالی ابریشم سورمه ای بزرگی که نام اتاق را گرفته بود ایستاده گشت

خاتم گوش تفلن دست مرمری را که گوشه اتاق مخصوصش پهلوی یک تخت بزم و کوتاه (کابانه) بود برداشته پس از آنکه با اضطراب و نگرانی و انری نره را گرفت با انگشترهای الماسی که در انگشترهای دست چپش داشت مشغول بازی شده یکسریه صدایی پرسید :

— بله آقای ... شایده ... سلام علیکم ... اینجا منزل الاغ دفتر حال شا بطور است ... من که حالم خوش نیست ... خوب دیگر ... چون هوشی ( مضغ هوشنگ ) با زرق و برق میکند ... صبح تلفن کردم که تشریف یابورید اینجا گفتند خانه نیستند ... بهر حال الان اتومبیل را میبرستم فوری خودتان را برسانید که خیلی دلم شور میزند ... نه ... نه ... همین حالا ... باشد ... مریضا را بگذارید بهد که برگشتید بروید سر و تشنان ... به ... چون راستی حواسم را نمی فهمم ... مری ... آنوقت گوش را روی دستگه گذاشته با سر بجه رفت روی کانا به کشهای پرده راحتی خود را آورد ... با پیراهن ابریشی یقه باز و کوتاهی که تا بالای زانوش را گرفته و مخصوص انانقش بود ، یکوری افتاد روی تخت . بعد دستش را از روی بالش اطلس و پر فوالی که تا زیر سینه اش را روی خود جا داده بود ، بلند کرده ، انگشتر مانیکورشده و لاک زده اش را گذاشت روی یک شتی دیواری ، بغاصه پنج دقیقه دخترکلفت شسته رفته وزیر ورزشکی از در بزرگ و لاک الکی آتینا گذشته روی قالی ابریشم سورمه ای بزرگی که نام اتاق را گرفته بود ایستاده گشت

### نظرها

#### چرا به فرد ما بر خاسته اند؟

بقیه از صفحه اول

گفته بود میرسانیه و دوباره تیرو بدست می آورد .

قطعه ضف این پهلوان در این بود که اگر از زمین جدا میشد بطرف می افتاد . دشمنانش این قطعه ضف را دریافته و دو کین او نشسته بودند حالت یک نفر از دشمنانش توانست از این قطعه ضف استفاده نموده بر آتش پیروز گردد باین طریق که آتش را از زمین برکت و در هوا بلند کرد و مانع شد که وی با شاخک تماس حاصل کند و آن وقت وی را خفه نمود .

حرب ما مهم مولود و پرورده توده است . حرب ما بیرونی خویش را مرهون مادر خویش یعنی توده ایران میشاهد که او را بچوید آورده است و بیرونی می دمده - و تالوقی که باین مادر بیومنده باین توده عظیم وابسته است مطلوب بشدنی است .

انیت و رمز پیروزی ما .

آن می باشد کسیون مزبور پیش از دایر دیروز نیز در اطاق آقای نصر مصلوف وزارت کشور تشکیل گردیده و مشغول مطالعه بودند .

رفع توقیف  
فرماندار نظامی از روزنامه مرد امروز رفع توقیف نموده پیروی منتشر خواهد شد

### آنگهی حراج

شماره پرونده ۱۵۴ر۱

شماره حساب ۲۰۲

به دانگ معاف از عهده دانگ آب و ملکه و ده کوشکبر او فده . در دهستان خرفان بخش ۷ سلوه ملک کار سرمنگ عبدالله شریف که بیست رسیده و در اجاره نیست در روز ۲۲ر۳۰ دوساعت قبل از ظهر در شعبه اجرای ثبت سلوه بزایده گذارده میشود و حراج از مبلغ پنجاه هزار ریال شروع خواهد شد مالیت زاید بر طلب بستاکار جمله خریدار است این آنگهی در ظرف ۲۰ روز سه نوبت منتشر میشود . تاریخ انتشار آنگهی نوبت دوم ۲۲ر۱۸ر۴ ش ۱۱۳ ش ۲-۳

و در نتیجه همین اطمینان است که نمی توانست اند برای حله در جبهه شرق مقدار زیادی از هوا پیا های خود را که در تصرف اروپا بوده انبجیبی شرق ببرد .

با اینکه اخبار چندی در تأیید این نظریه رسیده است و گفته اسراری جنگی آلمان در مدت سه روز حله این قسمت را ثابت می کند ما انتظار داریم این قسمت صحیح بوده و محور از تصمیم متقین در تأثیر باز کردن جبهه دوم اطینان نداشته باشد

# در مجلس

## بزه از صنف اول

با وضعیت اقتصادی امروز کشور که بسیار در زحمت هستیم من متقدم اگر در کار های کشاورزی توجه شود بصلاح ملکات است

## تکرارها

### از تهران

ریاست مجلس شورای ملی تهران رونوشت هیئت وزیران رونوشت شورای عالی جنگ رونوشت روزنامه پاهاسل رونوشت ایران ما رونوشت مرد امروز رونوشت مهر ایران دو نوشت رهبر - رونوشت امیه رونوشت اقدام رونوشت مردم رونوشت خودشه ایران رونوشت مردان کار رونوشت ایران خلیفه اسلام عر رضی الله عنه روزی در مسجد بردمان گفت که هر وقت انصافی در کار من دیدند متذکر من نمانند . عربی برخاست و شمشیر خود را کشید و میگفت هرگز از راه راست منحرف شوی یا بشنیر کج تو را راست خواهم کرد در ممالک دموکراس دنیا بجای شمشیرهای اضفادی تو این نظمها را اجتنابی از هر گز خلاف قانونی جلوه گیری و متصدیان را براه راست و ادار منباید حال اگر داد خواه نظامی سلوه مراتب را تا فرمانشگی کل قوا طی نموده و ترتیب اثری بدادخواست او داده نشد بیکجا مراجعه نماید جز در قانون دموکراسی کوچه بن بستر هم وجود دارد یا خبر منستی است بیس از بررسی و تحقیق مرجع مقام صلاحیت دار را ابلاغ فرمایند تا مر ضحال قانونی تقدیم گردد

شکایه دو وزیر

بقیه از صفحه اول

گفته بود میرسانیه و دوباره تیرو بدست می آورد .

قطعه ضف این پهلوان در این بود که اگر از زمین جدا میشد بطرف می افتاد . دشمنانش این قطعه ضف را دریافته و دو کین او نشسته بودند حالت یک نفر از دشمنانش توانست از این قطعه ضف استفاده نموده بر آتش پیروز گردد باین طریق که آتش را از زمین برکت و در هوا بلند کرد و مانع شد که وی با شاخک تماس حاصل کند و آن وقت وی را خفه نمود .

حرب ما مهم مولود و پرورده توده است . حرب ما بیرونی خویش را مرهون مادر خویش یعنی توده ایران میشاهد که او را بچوید آورده است و بیرونی می دمده - و تالوقی که باین مادر بیومنده باین توده عظیم وابسته است مطلوب بشدنی است .

انیت و رمز پیروزی ما .

آن می باشد کسیون مزبور پیش از دایر دیروز نیز در اطاق آقای نصر مصلوف وزارت کشور تشکیل گردیده و مشغول مطالعه بودند .

رفع توقیف  
فرماندار نظامی از روزنامه مرد امروز رفع توقیف نموده پیروی منتشر خواهد شد

### نظرها

#### چرا به فرد ما بر خاسته اند؟

بقیه از صفحه اول

گفته بود میرسانیه و دوباره تیرو بدست می آورد .

قطعه ضف این پهلوان در این بود که اگر از زمین جدا میشد بطرف می افتاد . دشمنانش این قطعه ضف را دریافته و دو کین او نشسته بودند حالت یک نفر از دشمنانش توانست از این قطعه ضف استفاده نموده بر آتش پیروز گردد باین طریق که آتش را از زمین برکت و در هوا بلند کرد و مانع شد که وی با شاخک تماس حاصل کند و آن وقت وی را خفه نمود .

حرب ما مهم مولود و پرورده توده است . حرب ما بیرونی خویش را مرهون مادر خویش یعنی توده ایران میشاهد که او را بچوید آورده است و بیرونی می دمده - و تالوقی که باین مادر بیومنده باین توده عظیم وابسته است مطلوب بشدنی است .

انیت و رمز پیروزی ما .

آن می باشد کسیون مزبور پیش از دایر دیروز نیز در اطاق آقای نصر مصلوف وزارت کشور تشکیل گردیده و مشغول مطالعه بودند .

رفع توقیف  
فرماندار نظامی از روزنامه مرد امروز رفع توقیف نموده پیروی منتشر خواهد شد

### آنگهی حراج

شماره پرونده ۱۵۴ر۱

شماره حساب ۲۰۲

به دانگ معاف از عهده دانگ آب و ملکه و ده کوشکبر او فده . در دهستان خرفان بخش ۷ سلوه ملک کار سرمنگ عبدالله شریف که بیست رسیده و در اجاره نیست در روز ۲۲ر۳۰ دوساعت قبل از ظهر در شعبه اجرای ثبت سلوه بزایده گذارده میشود و حراج از مبلغ پنجاه هزار ریال شروع خواهد شد مالیت زاید بر طلب بستاکار جمله خریدار است این آنگهی در ظرف ۲۰ روز سه نوبت منتشر میشود . تاریخ انتشار آنگهی نوبت دوم ۲۲ر۱۸ر۴ ش ۱۱۳ ش ۲-۳

و در نتیجه همین اطمینان است که نمی توانست اند برای حله در جبهه شرق مقدار زیادی از هوا پیا های خود را که در تصرف اروپا بوده انبجیبی شرق ببرد .

با اینکه اخبار چندی در تأیید این نظریه رسیده است و گفته اسراری جنگی آلمان در مدت سه روز حله این قسمت را ثابت می کند ما انتظار داریم این قسمت صحیح بوده و محور از تصمیم متقین در تأثیر باز کردن جبهه دوم اطینان نداشته باشد

### در اطراف حمله آلمان

بقیه از صفحه اول

اراضی اشغال کنند ولیکن با توجه به طرز تبلیغات محوریک موضوع روشن واضح میگردد بدین ترتیب با اینکه حمله آلمان صبح روز سه شنبه آغاز گردیده تا او اواخر روز سه شنبه یا اوایل روز چهارشنبه در سران معجور داده نشد و پس از آنهم رادیوی برلین بجای بیان حقیقت اظهار داشت که ارتش سرخ در جبهه شرق شروع بحله نموده است . رادیوی برلین چنین اظهار نمود :

شوریه از دیروز صبح در دست ما قرار گرفت - کورسک - یلیگورود بحله آغاز نموده اند ولیکن ما موفق شدیم حملات او را مانع و متوقف کنیم . پس از آن حله متناوبه را آغاز نموده ایم .

علت این تبلیغات همان عدم موفقیت حله آلمان در سه روزه اول جنگ است . در حقیقت آلمانها در این سه روز تلفاتی که تاکنون در هیچ یک از جنگهای دیگر سابقه نداشته داده و موفقیتی که مناسب یا آن باشد بدست نیابورده اند و در مقابل تلفات سنگین با آنها وارد شده است چنانچه در مدت سه روز متجاوز از هزار تانک

### شهر دار تهران

اخباری که بسا می رسد و در دسترس آن تردید هست در ستون (آب راست است) :  
استوار میکسیمو بسیار خوشوقتیم که ادارات و دیوار دولتی ولدی بوسیله جواب های خودن مردم را نسبت باین مسائل روشن نمایند .

اینست که یک حله عمومی است که در یک قسمت کوچک از جبهه مسلکی میشود .

۳ - این حله تنها و آخرین راهی میشاهد که برای آلمان ها بانی مانده است .

پس از این حله وقتی عدم موفقیت حله آلمان آشکار شد قین است کارتش سرخ شروع بحله خواهد نمود و مسلم است که با این حله و در نتیجه آن قدرت مقاومت نیز از ارتش آلمان سلب خواهد شد .

این مطالعات بجایید لندن بوده است و ولی یک چیز دیگر نیز بنظر میرسد و آن اینست که شاید آلمانها اطمینان پیدا کرده اند که متقین برای باز کردن جبهه دوم در سال ۱۹۴۳ اقدام نخواهند کرد یا محلی خیلی بحث میشود و بیشتر نظر

# پنجاه وسه نفر

اما این تکان از خارج کشور و در زندگانی ما زندانیان سیاسی مؤثر بود قوه مرموزی دوام و بقای سلطنت رضا شاه را تهدید مینماید و آن اوضاع سیاست بین المللی و تاثیر آن در قضایای داخلی کشور بود.

صرف نظر از اینکه در ایام صلح هر یک از کشورها (کمیابش تا حدی که اوضاع ممالک دیگر در منافع مستقیم آنها تاثیر ندارد) بشکر زندگانی داخلی خود هستند، سیاست خارجی ایران با سیاستی که کلیه ممالک اطراف اتحاد جماهیر شوروی (حالی باستانهای ترکیه) اتخاذ کرده بودند، وفق میداد، کلیه این کشورهای کوچک از فتنه گزیده تا منجر کوپن مواضع دفاعی هر چه نفع و توسعه انگار سوسیالیستی بداخل کشورهای اروپا و آسیا بودند.

تا موقعیکه دنیا در صلح و آوازش میزیست سیاست خارجی ایران نمیتوانست در وضعیت کشورهای دیگر تاثیر نفع الماده ای داشته باشد ولی از سال ۱۹۳۳ که رژیم هیتلری در آلمان سرگاز آمد و مقدمات یک جنگ جهانی خونینی فراهم میگردد، طبیعت است که زمامداران آلمان که بنظور سلطه بر تمام جهان نظر خاصی به منافع نفت خاورمیانه داشتند، میکوشیدند که از نفوذ و قدرت امپراطوری انگلستان در این صفات جهان گام و بر قدرت خود بیفزایند و البته آلمانها چون در ظاهر ادعا داشتند که به هیچیک از این کشورها نفوذ میانه علاقه سیاسی ندارند و مقصودشان فقط برقراری ارتباط فرهنگی و بازرگانی مالی است، به موفقیت های خوبی نائل میآمدند.

مخصوصاً در ایران راه برای آنها باز بود، خط مشی سیاست خارجی رضا شاه ساده و روشن بود: امپراطوری انگلستان علاقمند بود که در این صفات امنیت و آسایش برقرار باشد و این امنیت بر حسب ظاهر در ایران برقرار بود و از همین جهت امپراطوری انگلستان از حکومت رضا شاه پشتیبانی میکرد.

از طرف دیگر حکومت رضا شاه چه بر مخالفت با حکومت اتحاد جماهیر شوروی استوار بود، ولی میدانست که محض اینکه پشت او خالی شود و از مساعدت متونی دولت بریتانیا محروم گردد، این مخالفت ممکن است اساس حکومت او را متزلزل کند.

بنابراین نزدیکی با آلمان هیتلری که در عین حال دشمن بزرگی برای اتحاد جماهیر شوروی بشمار میگرفت، نمیتوانست حکومت رضا شاه را تقویت کند. از همین جهت می بینیم که در سالهای قبل از جنگ مردان سیاسی آلمان از تئوری شناخت و بالذات شریخ با ایران میبایست و در ایران نفی گوئی گرفته وزارت تبلیغات آلمان اداره پرورش افکار چنه روزی پس از هزیمت بالذات شریخ که آرزو رهبر جوانان آلمان بود، تأسیس میگردد، قرارداد نهائی با آلمان و فروش گندم سیستم با آلمانها مهندسی این نزدیکی هستند.

در ایران نیز مدتها قبل از جنگ توافقاً آمده مدتها قبل از آنکه انگلیس و امریکا به تجهیزات پردازش، دولت مشغول آماده کردن مردم برای جنگ میشود و همگی نیست در اینکه این جنگ در مرحله دولت اتحاد جماهیر شوروی طرح میشده است تا پس با شکست هوا پیکار و کارخانه هوا بیامیاز و آشنا کردن دختران ایران با فنون پرستاری و زخم بندی از جمله این اقدامات بشمار میرفت است: تمام دنیا تصور میکرد که آلمان با اتحاد جماهیر شوروی حمله خواهد کرد و وقتاً اگر امکان لپسنان دوریش نبود، یعنی اگر لپسنانیا مانند اهالی چک و اطریش حاضر میشدند که شرایط آلمان ما را قبول کنند و نفون آلمان نمیتوانست بر سر شوروی برسد بدون اینکه فرانسه و انگلستان در این خصوص اعتراض کنند احتمال میرفت که آلمانها با اتحاد جماهیر شوروی حمله کنند و جنگ با انگلستان و فرانسه را بشوق اندازند در هر صورت حلات روزنامه های آلمان بلپسنان در خصوص دالان لپسنان و شهر داترتیک و نزدیکی مابین انگلستان و فرانسه و اتحاد جماهیر شوروی و مذاکرات آنها در مسکو ممکن بود، رضا خان را اگر فهم سیاسی داشته متوجه خطری کرده باشد (من حق دارم شک کنم در اینکه رضا خان فهم سیاسی داشته است، والا چگونه ممکن است که دولت شریفی مانند ایران بخود جرأت دهد که با دو همسایه قوی که در عین حال دو دولت مظم جهان هستند در دو جلوه بیگانه پردازد. هنوز آلمان با این قدرت خارق الماده اش از جنگ در دو جبهه بسر علیه همین دو دولت که رضا خان ضد داشت با آنها بیگانه کند، اجتناب می کند) ولی این خطر نامشاهی با سازش متونی ما بین آلمان و شوروی مرتفع گردید، در ضمن صلح فرانسه و انگلستان آغاز گردید و نفون برق آسای آلمان در اروپا بطور یقین رضا خان را میبایستی مات و منبوت کرده باشد؛ و شاید هم تصور میکردند که دیگر کار انگلستان ساخته است و صلاح از در آنست که حتماً با آلمانها سازد.

قضایای عراق و شورش گیلانی او را بیشتر تشویق نمود که بکلی روابط خود را با انگلستان قطع کرده و با آلمانها بیوندد.

## آگهی مناقصه

بنگاه راه آهن دولتی ایران ۴ قلم تسه و سوپاپ لاستیکی طبق شرایط عمومی مناقصه و هتفه و نونه موجوده در قسمت کارپردازی و اموال بتگله از طریق مناقصه خریداری مینماید.

تاریخ تسلیم پیشنهادها منحصن قش سیرده بیبلیغ ۵ بهای پیشنهادی تا آخر وقت اداری روز ۲۰/۲۲/۳۲ و تاریخ افتتاح پیشنهادها در روز ۲۱/۲۲/۳۲ خواهد بود.

## آگهی مناقصه

اداره صاحبدازی کل ساختمان نیاز مند مقداری لوازم نوشت افزار قش از قبیل کاغذ هتفه کشی و غیره میباشد اشخاصی که مایل بشرکت در مناقصه میباشد بایستی مبلغ دو هزار ریال وجه نقد بنام سیرده بصدون این اداره تسلیم نموده و صورت لوازم نامبرده را از دایره کارپردازی دریافت نمایند.

پیشنهادت رسیدن در روز دوشنبه ۲۰ ماه جاری در ساعت ۱۱ بواز و خواند نخواهد شد.

به پیشنهادهای که فاقد سیرده یا چک بلق یا ید از تشکیل چله برسد ترتیب اثر داده نمیشود.

اداره در رد یک یا کلیه پیشنهادها مختار است نشانی چهار راه هریز خان جنب بهداری ارتش

اداره صاحبدازی کل ساختمان وزارت بازرگانی و پیشه و هنر ش ۴۶۲

# چاپخانه فرهنگ

## شاهکار

# ماکسیم گورکی



ترجمه علی اصغر سرف

# مادر

### است و ما مظهر چه نیروی معنوی

میباشیم شادی و سعادت در دل انسان پدید میگردد مثل اینکه جشن ناشکوهی بر پا کرده باشد بر آنسوی و آلمانی نیز همین حس دست میدهند و آلمانی هم محظوظ میشود. ما همه فرزندان یک مادریم. فرزندان حوری بزرگ و مغلوب نشدنی که آنرا «آخوت گاران تمام کشورها» مینامیم.

این حسن برداری که روح آنها را یکی میکرد در مادر تأثیر شده بود و اگر چه او در ایران روح پدرش بود و در این نیروی شگفت انگیز و پیروز شده است کنه و جوان و نوازنده بر از امیه دشمن رو اوست میگردد.

روزی پاهل روسیه منیر گفت: شا عیب آدمیانی هستی: برای شما هم رفیقند... بروی... اوستی... از آنها طوری حرف میزدند مثل اینکه دوست شما هستند. شریک خوشی و هم همه مردم میباشد.

از آنها طوری حرف میزدند مثل اینکه دوست شما هستند. شریک خوشی و هم همه مردم میباشد.

### حماصه جوانان

بقیه از صفحه اول

در سن ۳۸ سالگی میان این جوانان خیلی پر بنظر میرسد و در کارهای مخصوصی که این جمع را ابتلا میگرداند مانند در خانوانه ای فرزندان خود را دلدار میزند و رزقی خود را به او اندوز میکند.

شهرت کرده که بعدها نامشان در تاریخ فرانسه باقی ماند. اولی توغر بود و دومی تالین. شکست اینهاست که اگر ممکن بود هم جوان بودند این دو نفر دادرس هم از آنها متن تر نبوده فوج سی و پنج سال داشت، تالین بیست و هفت سال.

حزب کمونیست در دوران سر افرازی و پیان رسید. این کسی بار بود که سنگ اول این انقلاب را گذاشت از ناامین قلعه باستیل محسوب میشد. میباید گفت که بار دست از کار کشید و خانه نشین شد. سنی داشت، فقط ۳۹ سال.

اگر نظری بصورت نلسات دادگاه انقلابی بیفکیم و سن و سال قضایا و همین را بجویم در دریای حیرت خرق نمیشود! زیرا کشف میکنیم که در سال ۱۷۹۳ تمام اعضای مجلس شورای ملی فرانسه کثر از ۴۰ سال داشتند و اغلبشان حتی ۳۵ ساله هم نبوده.

موردین سهل انگار باین نکته توجه نکردند این بخت بزرگ را ستواندند کشف کنند که بزرگترین نهضت های انقلابی دست جوانان همیشه صورت گرفته است.

مرموز تسلیم میشد بادتی مشافه و با تشویق منجی هجتان به تصنیف گوش می داد.

وسف چیکف مشوم و گرفته میکتف دو اولین روزهای بهار آهنگه این تصنیف را بایند کوه ماخواند.

وقتی که پدرش بملت زدنی بلزجس شد وسف چیک بارامی اظهار داشت:

حالا ممکن است حوزه در منزل من تشکیل شود... تقریباً هر شب پس از خلاصی از کار... یکی از رفقای بساول بسول او می آمد با هم کتاب میخواندند... فستی از بسوی رساله هارا یادداشت میکردند.

مهموم بودند و دیگر مجال شستوشوی خود را نداشتند. در موقع شام و سرفچان هم کتابها را زمین نیکداشتند و صحبتهای آنها بیش از پیش برای مادر نا مفهوم می شد.

پاول مکرر میکتف: ما با یک روزنامه لازم داریم... زندگی پر حرارت و متلطم میکتف... مانند زینوران غسلی که از گلی بکل دیگری برند اشخاص همواره با سرقت بیشتری بسوی یکدیگر میشناختند و از فرات کتابها و کتاب دیگر میرداختند شتی وسف چیکف گفت: صحبت ما تازه گی در دهانها افتاده است... احتل دارد بزودی ما را دستگیر کنند... اهل روسیه منیر اظهار داشت:

بلد رسیدن برای این آفریده شده است که خودم ایقته... بلاک از این مرد روز بروز بیشتر خوشش میامد... وقتی که وی رامانجان صدا میکرد چنین بنظرش میرسد که دست بجای گوشتش را نوازش میکند.

یکشنبه ها اگر پاول اشتغال داشت همین را این شخص می گفت روزی هفتی آورد و تیشه را برداشت از روی مهارت یک بله چوبی را که پوشیده بود هوش کرد یک دفته هم ترده را که داشت خراب میشد تصویر نمود در سین کار منقاهی دلچسب و حزن آوری را سوت میدزد.

مادر روزی به پاول گفت: چطور است اهل روسیه منیر را در منزل خودمان جا بندید و متفرجش را بپرداز... این ترتیب برای شماست هر دو خواهد بود تا قطع منزل هدیه دیگر بروید.

پاد میگرفتند. در این صورت صدا را آهسته میگردد شانه ها موفر و فکور میشد مثل اینکه سردی منجی بخواستند.

زنک از صورتها صبری به خوانندگان بپنجانی می آمدند و انسان حس مینمود که نیروی عطشی در حرف های صدا دار این تصنیف ها نیفته است.

یکی از این آوازه های تازه مضموماً مادر را مشوش و نگران میساخت. این تصنیف - ناله ها و نگرانیهای روح اعانت دیده ای را که تلکوتنهادید و ضم نریده های دردناک سرگردان استو فریاد های روح پرینک ویی شکل را که مورد حله فقر و فلاکت میباشد و از ترس خوف شده است بیان نمیکرد. آهسای ضعیف موجودی را که در طلب بقا است و در خونی نهور خشکی را که حاضر است خوب و بد را بدون تفاوت منهدم سازد.

تکرار مینمود که کوره کوره انعام و کینه را که بر ناپوئده گرن هم چیز دلنور از اجامی چیز ما جز است فاقه بود در این تصنیف هیچ اثری از دنیای قدیم یعنی از دنیای بر دگان دیده نیست.

بلاک از حرفهای سخت و از اهتک مرتضانه خوشش نی آمد ولی در این تصنیف نیروی بی پایانی بود مثل اینکه سیوف و کلمات را خنه میگرد و احساسی قبل الوقوع چیزی را که برای فکر انسان زبده از حد با عظمت باشد در دل بیادر میساخت.

مادر - این چیز را در چه راهها و در چشم های جوانان میدید و در حالی که این قوه

### حمله نذارند و همیشه میخواهند

«دفاع» گنند و جنگ فاتحانه جنگی است که با یک حمله پیروز نموده اند. پایان رسد. دلیل دیگر این بوده که حقیقه داشتند تا کتیک قد ما پدرو نفی خورد و ورشهای جدیدی در جنگ باید بکار برد. ۲۰ هزاره ای دل مردم و فنون مهولا عاجزه از این که ابتکار نشان دهند و روش تازه بوجود آورند.

دلیل سوم این بود که گنند: ارتش های ملی باید فرماندهان ملی داشته باشند. افسران پیروی که در خدمت در بار استبدادی عمر خود را طی کرده اند حوائج مردم را تشخیص نمی دهند و با سر باز از وطن رفتاری را که شایسته است نفی کنند. بدین لحاظ بود که حکومت انقلابی بنایار جوان بیست و چهار ساله را در سر زنی رفیع بخشید و کسی که او را بدین مقام پیشنهاد کرد برادر بر سر بیامروغ بود که ۲۹ سال داشت.

قدرت جوانان در حس مشورت است در ایمان بوطن و عقیده بآزادی است برندا کاری برای اعمال معنوی و آرزوهای بزرگ اجتنابی است. در استقامت رای و شهامت و جسارت است. در این است که جوانان را همیشه یک آتش درونی میسوزاند و رات و آسایش از آن بی میگذرد و مهولا آنها را در حصول میدان معافرات سیاسی و اجتنابی می فرستد.

در موسیقی که لازم است همه چیز کسوری تغییر پیدا کند. و اصول و نظامی پوشیده ناپود شود. فقط جوانان جسور و شجاع و عاشق خطرند که می توانند اهل بزرگ را انجام دهند و با چراغ احساسات و افکار پاک خود دنیای را روشن سازند جوانان فرانسوی در سالهای پر شور و بر حاده انقلاب این چراغ را در دست داشتند و بقصود رسیدند.

ترجمه از مطبوعات خارجی

هر مان رئیس دادگاه انقلاب ۳۴ ساله بود. وقتی روسیه رید که حالش در شهرها و ولایات فرانسه او را بر او خوب انجام می دهند و مانند ایران مایوس کاری کنند با آن که ستشان از ۲۴ و ۳۵ کتر نبود آنها را مرزول ساخت و جوان نوزده ساله ای را بنام مارک آنتوان زولین بستند کسیر نجات ملی «منصوب نمود و ریاست منشی مجلسین مستقیم منقول گشت.

هنگامی که توان خارجی فرانسه را تهدید می نمود و نزدیک بود خاک فرانسه را سیلیمان بروس و اطریش تسخیر کنند سن دوست که ضویت کتبه دفاع ملی را داشت یکی از مهاگر بهای خود را که ۲۷ ساله بود فرماندهی قوای فرانسه را برز مشرقی آموزش نمود تاریخ نشان میدهد که این جوان ۲۷ ساله یکی از بهترین افسران انقلابی بوده و ماموریت خود را به بهترین وجه انجام داد است.

سایر فرماندهان و کسیرهای نظامی از او هم جواتر بودند زولی کسیر عالی شورای اجرائی قوای نظامی در جبهه موزل ۲۴ سال داشت - منسو در ۲۵ سالگی ریاست شهادت سراسر سورگ منسوب گردید.



# اولین حمله مهم آلمان عقیم ماند

## ۲۰۰۰۰ گشته و ۱۵۳۹ تانک و ۶۴۹ هواپیما در سه روز تلفات داد

### نتیجه مهمی از حمله بزرگ آلمان حاصل نشد در سه روز آلمانها ۴۰ هزار تن کشته ۱۵۳۹ تانک و ۶۴۹ هواپیما از دست دادند

#### آلمانها میگویند حمله از طرف شوروی بوده است

مسکو - هرل کینگ - از لحاظ روسیه ۴۸ ساعت اول حمله جدید آلمان را بدون رضایت میتوان برای انعقاد صلح شوروی رضایت بخش تلقی کرد. سه نکته عمده مورد توجه است نخست آنکه آلمانها با حمله از طرف شوروی موافق نگردیده اند دوم اینکه نتوانسته اند در خطوط دفاعی شوروی شکاف مهمی ایجاد نمایند سوم اینکه تانکهای موسوم به بلک آن ها تا کنون موفقیت شایانی حاصل نکرده است. نیروی دفاعی ارتش شوروی که از نخستین فشار حمله جدید آلمانها جلوگیری نموده ظاهراً مقنن و موثر واقع گردیده است. دو منطقه بلگورود در مقابل برتری نیروهای موتوریزه و هوایی آلمانی ها از حیث شماره متحصن زمینی از دست داده شده است. ولی توقیف ملی که آلمانها تصرف کرده اند بطور کلی موجب ضعف دفاعی شوروی نیگردد و تصرف آنها برای آلمانها بوقوع الماده گران تمام شده است این نقاط دونوبت دست بدست گردید یک ساعت پس از تصرف مجدداً در آن قطعه روسها پس از مقاومتی پدیدار شدند و ضمیمه را به حال اول عودت دادند. روسها آلمانها که میخواهند پس از تصرف این دو قطعه پیشرفت خود را ادامه دهند عقیم گردید. همچنین تانک آلمانها از دست رفته تیر و هفت آنها جا ماند و منهدم گردید. آلمانها در نزدیکی یک شهر دیگر منطقه (پیلو کورود) نیز ضمیمه برداشته ولی نیروی موتوریزه آنها بجهت آنچه نتوانست از نخستین خط دفاعی روسها تجاوز نماید.

### رسیدن ژپرو با آمریکا و نظارات طرفداران دگل در مارتینیک

واشنگتن - ژنرال ژپرو هنگام پایان آمدن در فرودگاه یونیکه فیلد مورد احترامات لشکری واقع گردید و هدیه کبرئیت بافتنارش شلیک شد. دریا سالار (لیبی) شایسته گسی از طرف روزلت و به اتفاق افسران ارشد امریکایی و فرانسوی به استقبال وی آمده بود همراهان ژنرال ژپرو عبارت از انتریوف و اندزه پونتوتیکی که هر دو ست فرماندهی دارنه (وژرز - ویره) ستوان نیروی دریایی میباشند این اشخاص که دوستان شخص ژپرو هستند با اتفاق او با یک زیر دریایی متعلق از فرانسه فرار کرده اند. الجزیره - برایی که دنیس سارتین فرستاده مخصوص خبرگزاری انگلیسی از الجزیره گزارش داده است موضوع الحاق جزیره مارتینیک به کیت نجات ملی فرانسه در الجزیره رسا تایید شده است از انتصاب ژنرال ژپرو کمی بجای دریا سالار روبر به فرماندهی مارتینیک معلوم میشود که کیت انتظار خاتمه سریع مذاکرات را دارد. دست ملی از نیروی هوایی آلمان در سه بزرگی از هوا بیسهای نوع رسا شوت و هوا بیسهای نوع (ف) و (ه) همراه است و با تمام این اصول هراتیاطی که آلمان بکنند بی فایده است زیرا از همان روزهای نخستین جنگ هوا بیسهای شکاری ما انبار در حلیات نخست گرفتند دستهای بزرگ هوا بیسهای بی ایکن آلمانی را متفرق ساختند و حلال هوا بیسهای دشمن را دفع کردند و راه را برای حلیات هوا بیسهای جنگی و بی افکنها گشودند ضربتی که بتانکها و نیروی پیاده مهاجم آلمانی وارد آمده نیروی مابرای دفع حلال دشمن کمک بزرگی نمود. مسکو - اعلامیه دولت شوروی که امروز صحر انتشار یافته چنین حاکی است روز هفتم ژوئیه نیروی ما در جهت های اول و کورسک و بیلگورود همچنان رزمهای خویش را با دستهای بزرگ تانک و پیاده نظام دشمن ادامه داد همه زیادی از هوا بیسهای که از غناط دیگر باین جبهه اعزام شده بودند از نیروی مهاجم آلمانی پشتیبانی نمیکردند بر فراز میدان جنگ نبرد های شدید هوایی در گرفتند جهت اول و کورسک آلمانها از حلال خویش فایده نبردند و در جهت بیلگورود هم تلفات سنگین دیدند و با انبساط مقصود پیشرفتی نمودند در جبهه اول کورسک طی رزمهایی که هنگام روز در گرفت پاسند و بیست تانک آلمانی نابود گشت و با آسیب سخت دید طی رزمهای هوایی و با برانز شلیک نیروی ضد هوایی آلمانها ۲۲ هواپیما آلمانی نابود شد. از پیش اعلام شده بود که شاردهوا بیسهای آلمان که در روز نایب بود و صد و یازدهم روزی پس از تحقیق معلوم شد ۱۱۷ هواپیما آلمانی فقط در روز گذشته تباہ گشته اند. در اعلامیه تکمیلی شوروی اشاره شده است که در قسمت «اول و کورسک» نیروی های شوروی در اتالی روزها چندین واحد دشمن به یکبار های شدید برداشته یک دست مورد حلال شده دستهای مرکب از هشتاد و یک تانک که از پس آنها نیروی هنگفت پیاده نظام حرکت می کرده واقع گردید.

### حملات متفقین بر سیسیل و ایتالیا خرابیهای فراوانی ایجاد کرده است

ستاد ارتش متفقین در شمال افریقا - ششم ژوئیه چند بپ افکن مخصوص نیروی هوایی شمال باختری افریقا بر فرودگاههای دشمن در سیسیل و بنیر (کاتان) حمله کرده اند. در روز بیس افکنهای سیک و متوسط سنگین ما حملات خود را بر فرودگاههای سیسیل ادامه دادند و بطوریکه هوانوردان ما مشاهده کردند چندین بپ در منطقه هدفها ترک و در چندین جا حریق برپا شده است. شب ششم ژوئیه یک هوا بیسای دشمن نا بود شد و یک هوا بیسای دیگر محو شد طی عملیات در روزی تباہ گشت پنج هوا بیسای ما بایستگاه خویش باز نگشت. الجزیره - هوا بیسهای مخصوص نیروی هوایی شمال باختری افریقا در بر بیباران نبودن مرکز فرودگاههای جزیرتی واقع در خاور سیسیل شبوروز بر فرودگاههای (پیکاری) و (ترابانی) و میلو حمله میبردند. لندن - عسکریه هوا بیسهای متفقین طی گشت بر فراز سیسیل گرفته اند بهیچ معلوم است که چه مقدار زیان به هدفهای محور در آن جزیره طی حملات هوایی اخیر وارد آمده است. این عسکری ها با فریادی شمالی فرانسه سید و بطوری که نشان میدهند صدها زیاری از هوا بیسهای محور در فرودگاه (جریش) نا بود گشته اند. عسکریه که چند ساعت پس از بیباران از (سین) گرفته شده معلوم میکند که بر اثر حملات شدید هوا بیسهای نوع (لیبراتور) بر خطوط وسایل ارتباطی در آخرین قطعه ایتالیا و سیسیل چه اندازه زیان وارد آمده است. در آن هنگام حریق بزرگی در کارگاههای راه آهن و تعمیرگاهها و سربازخانه های دشمن برپا شده و هنوز هم شعله اش نمایان بود. در جنوب محل قاطع خطوط آهن مهم (پالرم) و در ایستگاه تقسیم کالای حریق دیگری برپا شده است. صد ها بپ که باین ایستگاه خورده بآن آسیب سخت وارد آورده است.

دشمن عقب وانه شد و تانکهای بیلگورود بوزده یکبار های شدید جریان یافت و چندین قطعه سکونی مکرر دست بدست گردیدند. آلمانها چندین بار نیروی کبکی میدان ریخته و برخی قطعات پیشرفتهی حاصل نموده چندین تانک و بیس را تصرف کردند. روسها برای ترمیم وضعیت بحصله متقابل آلمانی ها را دفع کردند. ضمن در اعلامیه اشعار شده است که نیروی هوایی شوروی در طی یکبارهای شدید هوایی تلفات سنگینی بر آلمانی ها وارد میآورد. تمام فرماندهان و سربازان شوروی همت و رشادت فوق العاده می ایسراز میدارند.

مسکو - رادروی مسکو اعلامیه مخصوص اداره اطلاعات شوروی را انتشار داده میگوید نیروهای آلمانی که در حله حرکت دارند مرکب از بازنده لشکر سکانیزه و یک لشکر موتوریزه و چهار لشکر پیاده نظام میباشند. اعلامیه مشتمل بر آنست که چندین دست نیروی هوایی نقطه از دیگر دست های جبهه شوروی بلکه از برای باختری به این منطقه انتقال یافته اند. از هم تا بیست و نهم ژوئن دودست بپ افکن مخصوص و یک دست شکاری مخصوص از باختر اروپا به جبهه خاور انتقال داده شده اند. اعلامیه ضمن اطلاع میدهد که فرماندهی عالی آلمان نیروهای صده خوردار در یک ناحیه تنگی تکرر کرده تا بدین وسیله سرعت مواضع دفاعی شوروی را منهدم سازد. مقصود دشمن این بود که در نقطه پیش آمدگی (کورسک) نیروهای شوروی را محاصره و نابود نماید.

اعلامیه شوروی در تفسیر اینکه فرماندهی عالی آلمان میخواهد به مباردت در حله احترام نماید مینویسد فرماندهی عالی آلمان از نتیجه روز اول حمله بزرگی که پنداد پنجم ژوئیه در جهت (ارل) و

**نامۀ رهبر**  
جای اداره: خیابان راناییل تلن ۹۰۴  
سالانه ۲۵۰ ریال  
بهای اشتراك: ششماه ۱۳۰ ریال  
سه ماهه ۷۰ ریال  
تک شماره: یکریال  
بعد از دوروز دوریال

ستاد ارتش متفقین در شمال افریقا - ششم ژوئیه چند بپ افکن مخصوص نیروی هوایی شمال باختری افریقا بر فرودگاههای دشمن در سیسیل و بنیر (کاتان) حمله کرده اند. در روز بیس افکنهای سیک و متوسط سنگین ما حملات خود را بر فرودگاههای سیسیل ادامه دادند و بطوریکه هوانوردان ما مشاهده کردند چندین بپ در منطقه هدفها ترک و در چندین جا حریق برپا شده است. شب ششم ژوئیه یک هوا بیسای دشمن نا بود شد و یک هوا بیسای دیگر محو شد طی عملیات در روزی تباہ گشت پنج هوا بیسای ما بایستگاه خویش باز نگشت. الجزیره - هوا بیسهای مخصوص نیروی هوایی شمال باختری افریقا در بر بیباران نبودن مرکز فرودگاههای جزیرتی واقع در خاور سیسیل شبوروز بر فرودگاههای (پیکاری) و (ترابانی) و میلو حمله میبردند. لندن - عسکریه هوا بیسهای متفقین طی گشت بر فراز سیسیل گرفته اند بهیچ معلوم است که چه مقدار زیان به هدفهای محور در آن جزیره طی حملات هوایی اخیر وارد آمده است. این عسکری ها با فریادی شمالی فرانسه سید و بطوری که نشان میدهند صدها زیاری از هوا بیسهای محور در فرودگاه (جریش) نا بود گشته اند. عسکریه که چند ساعت پس از بیباران از (سین) گرفته شده معلوم میکند که بر اثر حملات شدید هوا بیسهای نوع (لیبراتور) بر خطوط وسایل ارتباطی در آخرین قطعه ایتالیا و سیسیل چه اندازه زیان وارد آمده است. در آن هنگام حریق بزرگی در کارگاههای راه آهن و تعمیرگاهها و سربازخانه های دشمن برپا شده و هنوز هم شعله اش نمایان بود. در جنوب محل قاطع خطوط آهن مهم (پالرم) و در ایستگاه تقسیم کالای حریق دیگری برپا شده است. صد ها بپ که باین ایستگاه خورده بآن آسیب سخت وارد آورده است.